



تاثیر برخورد والدین بر میزان یادگیری دانش آموزان ابتدایی

محدثه شاهی مریدی^۱، عزت الله ملک پور افشار^۲

۱- مهارت آموز ماده ۲۸ دوره ی هشتم، دانشگاه فرهنگیان (خواجه نصیر الدین طوسی)
mohadeseshahi776@Gmail.com

۰۹۱۳۶۳۲۱۴۸۶

۲- عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس خواجه نصیر کرمان، گروه علوم تربیتی
malekpoorafshar@yahoo.com

۰۹۱۳۲۴۱۹۳۷۹

چکیده

یکی از رویکردهای مهم در شناخت رفتار اخلاقی و پیشایندهای شکل دهنده آن، نقش و تاثیر هویت اخلاقی در بروز این رفتار می باشد. در بین عناصر تاثیرگذار بر شکل گیری این هویت به عنوان پشتوانه رفتار اخلاقی انسان، والدین سهم قابل توجهی دارند. والدین اولین الگوهای فرزندان خود هستند که فرزندان با همانندسازی و تقلیدالگوی رفتاری والدین خود را یاد می گیرند. نقش والدین در افزایش پیشرفت یادگیری کودکان به طور قابل ملاحظه ای بادستیابی به اهداف یادگیری تسهیل می شود. این مطالعه با هدف تاثیر برخورد والدین بر میزان یادگیری دانش آموزان ابتدایی انجام شده است. نتایج نشان می دهد سطح تحصیلات والدین و فرهنگ جامعه بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر مهمی دارد و تا زمانی که والدین به یادگیری ادامه دهند فرزندان نیز بهتر می توانند در امورات درسی موفق شوند. بنابراین، آموزش والدین بر کاهش احتمال یادگیری اثربخش بوده است. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت که یک مداخله خانواده محور بر اساس آموزش والدین در چارچوب نظریه شناختی- اجتماعی می تواند موثر باشد.

کلمات کلیدی: آموزش، ابتدایی، برخورد والدین

مقدمه

والدین امروزی و بخصوص مادران حساسیت زیادی درباره درس خواندن و پیشرفت تحصیلی فرزندانشان نشان می دهند. بسیاری از خانواده هایی که فرزندان با هوش و درس خوانی دارند سعی می کنند از تهیه هیچ نوع امکاناتی دریغ نکنند (دلشاد نوقابی و همکاران، ۱۳۹۲). نقش خانواده در ایجاد «لذت یادگیری» چیست چرا کودک ۶- ۵ ساله مشتاق یادگیری وقتی به سنین بالاتر می رسد شوق و انگیزه خود را از دست می دهد آیا این امر به دلیل تاثیر عوامل خارج از خانواده است. در واقع در محیط خانواده است که نهال ارزش های انسانی که بذر آنها در لحظه آفرینش در ضمیر آدمیان پاشیده شده باید رشد و نمو کرده درخت انسانیت به بار نشیند از این رو هیچ یک از نهادهای اجتماعی نقشی را که خانواده در ساختار فکری، شخصیتی، روحی، اخلاقی انسان دارد نمی توانند ایفا کنند (قزاقی و سرحدی، ۱۴۰۲). شوق یادگیری و استعداد تحصیلی بسیاری از دانش آموزان به دلیل عدم وجود محیط مساعد فرهنگی در خانواده شکوفا نمی شود و یا به حداکثر شکوفایی نمی رسد. عکس بسیاری از والدینی که ادعا دارند برای پیشرفت تحصیلی فرزندشان همه نوع امکانات مورد نیاز را فراهم آورده اند به اصطلاح چیزی کم نگذاشته اند در ارتقای سطح فرهنگ خانواده بسیار سهل انگارند (گودینی و همکاران، ۱۳۹۶). پژوهش های بسیاری نشان داده اند که آنچه والدین در تعامل خود با کودکان در خانه انجام می دهند عامل اصلی تعیین کننده توانایی های کلامی و پیشرفت درسی است نه سطح درآمد والدین یا میزان تحصیلات یا سایر خصوصیت های مربوط به پایگاه اجتماعی آنان. والدینی می توانند بهترین و موثرترین سطح تعامل را با فرزندان داشته باشند که از سطح فکری - و نه فقط سطح تحصیلات - بالاتری برخوردار باشند. بنابراین نقش پدر و مادر در افت و یا ارتقای سطح فکری و فرهنگی خانواده بسیار مهم است. والدین چگونه می توانند در این باره تاثیرگذار باشند (میلانی، ۱۴۰۲). از عوامل زیادی در این خصوص می توان نام برد ولی مهم ترین عامل نگرش والدین به یادگیری و دانایی است. وقتی پدر و مادر در حرف و عمل به دانایی احترام بگذارند و وقتی یادگیری به معنای واقعی برای آنان ارزشمند باشد خود به خود رفتارهای آنان در مواجهه با مسائل فکری و تحصیلی فرزندان شان بسیار متفاوت خواهد بود. پدر و مادری که به زور می خواهند در فرزند خود انگیزه تحصیلی ایجاد کنند در واقع نه لذت یادگیری را چشیده اند و نه عطش یادگیری را درک کرده اند (حیدری پشتکوهی و همکاران، ۱۴۰۲).



چگونه امکان پذیر است که پدر و مادری نگرش مثبت واقعی به یادگیری نداشته باشند و بعد بخواهند که فرزندشان به بالاترین حد پیشرفت درسی برسد البته استثناهایی ممکن است وجود داشته باشد ولی این موارد عمومی نیست. به طور حتم بزرگترین و خطیرترین وظیفه والدین به خصوص در شرایط فعلی آن است که با اصلاح نگرش و رفتارهای خود درباره یادگیری و دانایی به خود و فرزندان و در یک کلام به ارتقای سطح فکری و فرهنگی کل خانواده کمک نمایند. البته این کار راحتی نیست و مهم ترین مانع عادات و رویه های معمول جامعه است اما پدر و مادری که واقعا و به صورت منطقی به سعادت خود فرزندان و خانواده می اندیشند باید گام های تدریجی را در این راه بردارند (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۸).

نتایج و بحث

نقش مادران در یادگیری

نقش مادر به خصوص در شرایطی که پدران حضور کمتری در خانه دارند در سطح فکری خانواده مهم تر است. این موضوع شاید خلاف تصور عده ای باشد که در مسائل فکری خانواده نقش پدر را مهم تر می دانند. شاید خود مادران هم تصور نکنند که چقدر در سطح فکری و فرهنگی خانواده می توانند موثر باشند. یادآور می شود که سطح فکری فقط به معنای سطح تحصیلات نیست و عوامل دیگری در این خصوص موثرند (گرگی و همکاران، ۱۳۸۴).

مادران اعم از شاغل و غیرشاغل حضور بیشتری در خانه دارند. از طرف دیگر مادرها بسیار بیشتر از پدرها پیگیر روند تحصیلی فرزندان شان هستند. در دوره ابتدایی که بنیادی ترین سال های تحصیلی را در برمی گیرد بیشتر مادرها نقش کنترل کننده مستمری دارند. به طور معمول پدرها از دوره های راهنمایی و متوسطه بیشتر وارد عمل می شوند آن هم به عنوان اهرم های فشار خلاصه آنکه حداقل در ۱۰ سال اول زندگی ارتباط مادر با فرزند بیش از هر کسی است و تاثیر مادر در سطح فکری فرزند هم می تواند بیش از هر کسی باشد.

مادرانی که بیشتر وقت آنها پای تلویزیون می گذرد سوژه هایی را در زندگی دنبال می کنند که پیش پا افتاده و غیر مهم است اگر اهل مطالعه باشند در روزنامه ها دنبال صفحه حوادث می روند و مجلاتی را می خردند که شامل مطالب بی خاصیت و خنثی است بحث ها و گفتگوهای شان با دوستان و همسر و سایرین درباره مسائل روزمره و تکراری است حوصله فکر کردن درباره موضوعات جدی زندگی را ندارند به غذا و پوشاک فرزندشان اهمیت زیادی می دهند مسائل فکری فرزندان را فقط درس و مدرسه خلاصه می کنند و...

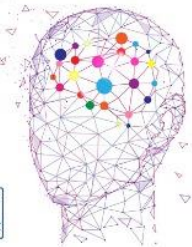
اگر بپذیریم که یک فضای مساعد فرهنگی تا چه حد می تواند در رشد فکری کودکان موثر باشد آنگاه باید به رفتارهای مان با تامل بیشتری بنگریم. مادری که وقت زیادی را صرف تماشای تلویزیون می کند هیچ یک از سریال های جدی و غیرجدی را از دست نمی دهد با اشتیاق داستان های پیش پا افتاده و الکی فیلم ها و سریال ها را دنبال می کند و به توضیح و تفسیر آنها هم می پردازد چه تاثیر مثبتی می تواند در سطح فکری خانواده برجای بگذارد این مادر چگونه می تواند از فرزندش انتظار داشته باشد که با شوق و رغبت درس هایش را بخواند.

مادری که حوصله مطالعه ندارد و یا مطالعه اش شامل سوژه های غیرجدی است چگونه می تواند توقع فرزندی کتاب خوان داشته باشد مادری که تحصیلات سطح بالایی ندارد و برای ارتقای آن هم تلاشی نمی کند چگونه می تواند به فرزندش توضیح دهد که درس خواندن مهم است مادری که از شرایط فکری و اجتماعی زمانه اطلاعی ندارد و با افکار فرزندش فاصله دارد چگونه می تواند او را درک کند مادری که خورد و خوراک و پوشاک فرزندش دغدغه ای جدی تر از رشد فکری اوست چگونه می تواند به رشد فکری فرزندش کمک کند.

عجیب است که پدرها و مادرها خود با یادگیری غریبه اند و یا به نوعی از آن فرار می کنند اما از فرزندان توقع دارند با حرص و ولع درس بخوانند و در امور تحصیلی از همه پیشی بگیرند. خیلی از والدین حتی این زحمت را به خود نمی دهند که با شیوه های منطقی با درس و مدرسه فرزندان شان برخورد کنند. فقط بر آنچه خود بدان رسیده اند اصرار می ورزند.

حضور یک فرزند با هوش و درس خوان در خانواده که از همان سال های اول تحصیل قابل تشخیص است وظیفه والدین و به خصوص مادر را صد چندان می کند. متاسفانه مادران وظیفه خود را در این می بینند که بالای سر فرزندشان بایستند تا او مشق هایش را بنویسد از او درس بپرسند دیکته بگویند و یا حتی بعضی از کارهای درسی فرزندشان را انجام دهند.

هدف و تمرکز همه این فعالیت ها - فرزند - است اما این کارها تا چه زمانی می تواند موثر باشد چند درصد از والدین از چنین روش هایی به نتایج موثر و ماندگاری می رسند. مادرانی که علاقه مند به پیشرفت مستمر و واقعی فرزندشان هستند باید جهت قسمتی از فعالیت ها را به طرف خود برگردانند. مادران باید با به پای فرزندان پیش روند اما نه در امور درسی بلکه در رشد فکری و فرهنگی. یک مادر منطقی در وهله اول انتظار خودش



را از خود بالا می برد و به آنچه دارد قانع نمی شود. او همه وقتش را به امور روزمره و خنثی اختصاص نمی دهد بلکه در تربیت فرزند وقت هایش را به زمان هایی برای سرگرمی و زمان هایی برای ارتقای اندیشه تقسیم می کند.

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که اشتیاق وافر اولیا، ضرورت تشریح شیوه صحیح و راهکارهای درگیری یا نقش آفرینی والدین را در امور تحصیلی فرزندان دوچندان می کند. از طرف دیگر، کسب اطلاعات بیشتر در مورد نحوه ای که والدین می توانند بر موفقیت تحصیلی فرزندان اثرگذار باشند، می تواند انگیزش خود اولیا را برای مشارکت در زمینه تحصیل فرزندان افزایش دهد؛ چرا که بسیاری از اولیا در اثر بی اطلاعی از روش های حمایت از فرزندان، حالتی انفعالی به خود می گیرند. در حالی که والدین بازوی توانمند معلم و مشاور برای نیل به اهداف آموزشی و تربیتی به حساب می آیند. لذا لازم است که در جهت اعتلای سطح دانش این ظرفیت موجود، حداکثر تلاش خود را به کار بندیم.

با مرور پژوهش های صورت گرفته در زمینه تحصیلی به این مهم پی می بریم که خانواده نقشی بی بدیل در پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. اکثر قریب به اتفاق پژوهش ها از خانواده به عنوان عاملی بسیار مهم در وضعیت تحصیلی فرزندان یاد کرده اند. از طرف دیگر، نهاد آموزش و پرورش برای تحکیم آموخته ها و تربیت دانش آموزان با انگیزه، به همکاری و مشارکت خانواده نیاز دارد. والدین با به کارگیری راهکارهایی که در ادامه به معرفی آن ها می پردازیم، می توانند نقش مؤثری در افزایش انگیزه فرزندان خود به تحصیل و پیشرفت تحصیلی آن ها ایفا کنند.

۱. ارتباط والدین با مدرسه

رفت و آمد والدین با کادر آموزشی می تواند تأثیر چشمگیری بر انگیزش و وضعیت تحصیلی دانش آموزان داشته باشد. همکاری والدین با اولیای مدرسه به ایجاد رابطه مطلوب خانه و مدرسه کمک شایانی خواهد کرد. بدین ترتیب با همکاری اولیای مدرسه توانستم به افزایش شایستگی ها و کاهش مشکلات و افزایش عزت نفس دانش آموزان کمک کنم. قابل ذکر است اولیا در ارتباط با مدرسه نباید نگاهی انتقادی و شکایت آمیز به عملکرد عوامل مدرسه داشته باشند، بلکه لازم است نگرش «اقدام مشارکتی» را برای رفع کاستی ها در خود پرورش دهند.

۲. مشارکت والدین در انجام تکالیف

همکاری والدین در انجام تکالیف تحصیلی می تواند به شکل گیری رابطه ای مطلوب بین والدین و فرزند کمک کند. همچنین فرزند احساس مورد توجه والدین قرار گرفتن و مهم تلقی شدن را در خود پرورش می دهد. مشارکت والدین در انجام تکالیف (متناسب با سطح تحصیلات اولیا) می تواند در آموزش مجدد، تمرین و تحکیم آموخته های مدرسه نقش داشته باشد.

در این زمینه والدین را در امر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و تقویت آموزش های داده شده به روش های مختلف مشارکت دادم و تأثیر پیشرفت این مشارکت ها را به صورت چشم گیر مشاهده کردم. به طور مثال وقتی دانش آموزان با روحیه شاد از بازی های آموزشی ارائه شده در منزل گفتگو میکنند شایان ذکر است که آموزش با مشارکت اولیا برای دانش آموزان بسیار لذت بخش است.

۳. آرزوی تحصیلی والدین

لازم است اولیا آرزوی تحصیلی بالایی برای فرزندان خود در نظر بگیرند (مثلاً تحصیلات دانشگاهی به جای فقط کسب دیپلم) و فرزندان خود را از این آرزوهای تحصیلی مطلع سازند. همچنین، آن ها را تشویق کنند و به آن ها اطمینان دهند، در صورت به کارگیری تلاش لازم بدان دست خواهند یافت. به عنوان الگوی دانش آموزان همیشه آنها را برای رسیدن به آرزوهایشان تشویق می کنم و در این امر اولیا را نیز مشارکت دادم و این امر در عزت و نفس و تلاش بچه ها کمک بسیاری کرد.

۴. استفاده از تشویق کلامی

در این زمینه خودم به عنوان الگوی دانش آموزان جهت افزایش اعتماد به نفس آن ها همیشه از تشویق کلامی استفاده می کنم و اولیا را به ترغیب فرزندان خود به فعالیت های تحصیلی، از تشویق های کلامی همچون تحسین کردن و ارائه بازخورد مثبت در مورد تکالیفی که به خوبی انجام شده اند، مشارکت دادم که بازخورد بسیار سودمندی حاصل گردید.

۵. استفاده نکردن از تشویق های مادی و قابل انتظار



یکی از اهداف مهم آموزشی، شکل دهی انگیزه درونی برای یادگیری است. دانش آموزان دارای انگیزه درونی، به صورت خودجوش برنامه ریزی های تحصیلی خود را اجرا می کنند و از یادگیری لذت می برند. ارائه پاداش های مادی (همچون پول، دوچرخه، تبلت، موتورسیکلت و مانند این ها) و قابل انتظار (اگر معدل ۱۹ بیاوری، برایت دوچرخه می خرم) سبب کاهش انگیزه درونی دانش آموزان می شود. بدین معنی که فقط تا زمان حضور این وعده ها، دانش آموز به فعالیت های تحصیلی می پردازد. در صورتی که هدف، پرورش دادن شاگردی است که از یادگیری لذت ببرد و همواره در طول زندگی به دنبال کسب مهارت ها و گسترش آن ها باشد.

اولیا در ارتباط با مدرسه نباید نگاهی انتقادی و شکایت آمیز به عملکرد عوامل مدرسه داشته باشند، بلکه لازم است نگرش «اقدام مشارکتی» را برای رفع کاستی ها در خود پرورش دهند.

لذا از تشویق هایی که باعث کاهش انگیزه درونی بچه ها می شود و در آینده ممکن است برای آنها مشکل ساز شود هرگز استفاده نکردم با چایگزین کردن تشویق های کلامی انگیزه درونی بچه ها را فعال و میل به تلاش خودجوش آن ها بالا بردم و با اولیا در این زمینه به صورت فعالانه مشارکت داشتم و آن ها را نیز به افزایش انگیزه درونی فرزندان خود تشویق کردم.

۶. آگاهی از وضعیت تحصیلی فرزند

لازم است که اولیا بدانند، فرزندشان در چه درسی عملکرد بهتری دارد و چه موضوعی برای او دشوارتر است. اما نکته قابل توجه این است که والدین هرگز نباید به فرزند خود تلقین های نادرست ارائه کنند (برای مثال: رضا در ریاضی ضعیف است). این موجب می شود که خودپنداره تحصیلی دانش آموز بدین شکل صورت گیرد که هر قدر تلاش کند، نمی تواند در درس های مورد نظر (در مثال ذکر شده، درس ریاضی) به موفقیت برسد. اطلاع اولیا از وضعیت دانش آموز در ماده های درسی متفاوت باید به منظور برنامه ریزی برای کسب شایستگی در درس ها صورت گیرد، نه اینکه سبب برچسب زنی و اشتباهات دیگر شود.

به صورت هفتگی اولیا را از وضعیت آموزشی فرزند خود مطلع می کنم و با توجه به مسائل ذکر شده در صدد رفع مشکل دانش آموزان برنامه لازم می ریزیم.

۷. کمک والدین در شکل دادن عادت به مطالعه فرزند

به فرزند خود کمک کنید، به مطالعه کردن عادت کند. یکی از مهم ترین عامل های ایجاد عادت به مطالعه، مکانی است که مطالعه در آن صورت می گیرد. تا حد امکان، دانش آموز همواره در یک مکان مخصوص به مطالعه بپردازد. تعویض مکرر مکان مطالعه می تواند سبب کاهش عادت به مطالعه و تمرکز شود.

راهکارهای ذکر شده بخش کوچکی از اقداماتی هستند که والدین می توانند برای افزایش انگیزه تحصیلی و کمک به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود انجام دهند. روش ها و نکات بسیار دیگری نیز وجود دارند که به منظور رعایت اختصار از ذکر آن ها خودداری می شود. اما آنچه مهم می نماید، تشویق والدین به افزایش آگاهی و بینش خود در زمینه راهکارهای صحیح کمک به پیشرفت تحصیلی فرزندان از طریق مطالعه منابع معتبر و مشورت با متخصصان مشاوره تحصیلی است.

خانواده نقشی بی بدیل در پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. اکثر قریب به اتفاق پژوهش ها از خانواده به عنوان عاملی بسیار مهم در وضعیت تحصیلی فرزندان یاد کرده اند.

اطلاع اولیا از وضعیت دانش آموز در ماده های درسی باید به منظور برنامه ریزی برای کسب شایستگی در درس ها صورت گیرد، نه اینکه سبب برچسب زنی و اشتباهات دیگر شود.

انگیزه درونی به معنای اشتیاق درونی برای یادگیری است. ارائه پاداش های مادی و قابل انتظار سبب کاهش انگیزه درونی دانش آموزان می شود.

نتیجه گیری

یکی از رویکردهای مهم در شناخت رفتار اخلاقی و پیشایندهای شکل دهنده آن، نقش و تاثیر هویت اخلاقی در بروز این رفتار می باشد. در بین عناصر تاثیرگذار بر شکل گیری این هویت به عنوان پشتوانه رفتار اخلاقی انسان، آموزش و مدرسه سهم قابل توجهی دارند؛ با این حال، به نقش این عنصر مهم در شکل گیری هویت اخلاقی دانش آموزان کمتر پرداخته شده است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی سهم والدین بر میزان یادگیری دانش آموزان



ابتدایی انجام شده است. نتایج مطالعه نشان می دهد که کنترل پیشرفت یادگیری کودکان از طریق ارتباط موثر بین والدین یا خانواده در خانه و معلمان در مدرسه می تواند به کودکان در درک پتانسیل تحصیلی و غیر درسی خود کمک کند و به آنها امکان می دهد در تلاش برای بهبود یادگیری بصورت مستقیم شرکت کنند. با توجه به نتایج بدست آمده می توان گفت که یک مداخله خانواده محور بر اساس آموزش والدین در چارچوب نظریه شناختی-اجتماعی می تواند موثر باشد.

منابع

- حیدری پشنگوهی، لیلی، فتحی، صنمیر، بهور، کبری، (۱۴۰۲). نقش مدرسه در شکل گیری شخصیت دانش آموزان دوره ابتدایی. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، ۸۸(۶)، ۳۳۱-۳۳۸.
- دلشاد نوقایی، دارابی، مشکى. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر میزان و نحوه نظارت والدین بر تماشای تلویزیون دانش آموزان. مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، ۱(۴)، ۷-۱۷.
- دلشاد نوقایی، دارابی، مشکى. (۲۰۱۴). تأثیر آموزش بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر میزان و نحوه نظارت والدین بر تماشای تلویزیون دانش آموزان. مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، ۱(۴)، ۷-۱۷.
- قزاقی، سبحان و سرحدی، معصومه، (۱۴۰۲). تأثیر رفتار والدین و معلمان بر پیشرفت یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی، دومین کنفرانس بین المللی و سومین کنفرانس ملی یافته های نوین در مدیریت، روان شناسی و حسابداری، تهران
- گرچی، سیف، دلاور، کریمی. (۲۰۰۵). مقایسه اثر بخشی کاربرد روشهای اصلاح رفتار والدین و معلمان و ترکیب هر دو در کاهش نشانه های اختلال بیش فعالی و نقص توجه دانش آموزان دوره ابتدایی. دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، ۲۳(۷)، ۱-۲۲.
- گودینی، رحمان، پورمحمدرضای تجربی، طهماسبی، بیگلریان. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش مدیریت هیجان به مادران بر مشکلات رفتاری فرزندان از دیدگاه والدین. فصلنامه آرشیو توانبخشی، ۱۸(۱)، ۱۳-۲۴.
- میلانی، شهلا، (۱۴۰۲). بررسی تاثیر والدین بر پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان، نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره، ایران، تهران